

شاخص‌های علوم حوزوی در تراز حوزه انقلابی (با تأکید بر اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌الله))

سید سجاد ایزدهی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۲

چکیده

حوزه‌های علمیه که همواره و در هر زمانی متناسب با نیازهای جامعه خویش، به پاسخگویی مسائل و موضوعات جامعه مؤمنانه مشغول بوده‌اند، در بستر انقلاب اسلامی، باید مأموریتی مضاعف یافته و دانش‌های حوزوی را در راستای اداره مطلوب جامعه اسلامی به کار گیرند. تحقق این امر ضمن اینکه مستلزم ملاحظه ضوابطی مانند «پویایی روش این علوم»، «کارآمدسازی دانش‌ها»، «روزآمدی و ملاحظه شرایط زمانه در استنباط» و «نظام‌وارگی دانش‌های حوزوی به غرض اداره جامعه»، در توسعه علوم حوزوی به منظور وصول به حوزه تراز انقلاب است، باید راهکارهایی را در توسعه علوم حوزوی به این تراز، مد نظر قرار دهد که از آن میان می‌توان به اموری مانند «بازتولید علوم حوزوی در راستای اداره مطلوب نظام اسلامی»، «ایجاد دامنه سیاسی، اجتماعی، حکومتی برای علوم حوزوی»، «پاسخگویی به نیازهای همه‌جانبه نظام اسلامی» و «فراگیرشدن رویکرد فقه حکومتی در درس‌های حوزوی» اشاره کرد. این تحقیق درصدد است با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای و بر اساس روش توصیفی و تحلیل، شاخص‌ها، ضوابط و راهکارهای وصول علوم حوزوی به تراز مطلوب انقلاب اسلامی را مد نظر قرار دهد.

کلیدواژه‌گان: حوزه انقلابی، حوزه تراز انقلاب، حوزه علمیه، فقه حکومتی، علوم حوزوی.

سپهر سیاست

سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

* دانشیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران

رایانامه: sajjadizady@yahoo.com

این مقاله در قالب همایش علمی «حوزه انقلابی؛ مسئولیت‌های ملی و فراملی» که از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی) در اسفندماه ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد، تهیه و تدوین شده است.

مقدمه

حوزه‌های علمیه در همه ادوار و زمان‌ها، پاسخگوی نیازهای جامعه مؤمنانه بوده و هدایت جامعه به سوی سعادت را مد نظر داشته است و اگرچه عمده انتظار جوامع مؤمنانه از حوزه‌های علمیه در ادوار سابق، پاسخگویی به نیازهای فردی مؤمنان بوده است، و سوق دادن جامعه به سوی ارزش‌های سیاسی - حکومتی دین اسلام، از حوزه علمیه، انتظار نمی‌رفت، اما با پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق حکومتی بر اساس ارزش‌های دین اسلام، با محوریت فقه شیعه و رهبری فقیه جامع‌الشرایط، سطح انتظار از حوزه علمیه توسعه یافت، و پشتیبانی و حمایت از انقلاب اسلامی به مثابه چکیده ارزش‌های اسلام حداکثری (سیاسی و حکومتی) از وظایف اصلی علمی، عملی حوزه و روحانیت شیعه محسوب می‌شود.

از این رو، همان‌طور که حوزه‌های علمیه در زمان حاکمیت حاکمان جور، وظایف خود را در پاسخگویی به نیازهای زمانه خویش به‌خوبی انجام داده‌اند، در عصر حاضر نیز باید با درک شرایط موجود جامعه، وظایف خویش را در حمایت و پشتیبانی نظری و عملی از نظام اسلامی بازشناسند و در آن راستا گام بردارند.

حوزه علمیه انقلابی در عصر حاضر، که تحقق حداکثری دین در عرصه جامعه را مد نظر قرار می‌دهد، باید در فضای تحقق حاکمیت اسلامی، با درک شرایط موجود، همراهی خویش با انقلاب را مد نظر قرار دهد و با حفظ روحیه انقلابی، ضمن به‌دوربودن از تفکر سکولار، تبیین مبانی حداکثری نظام سیاسی را در قالب تبیین رویکرد حکومتی به فقه و نظام‌سازی در عرصه‌های مختلف زندگی، مورد عنایت قرار دهد و ضمن بازنگری در علوم رایج حوزوی با نگاه به نیازهای حکومتی و در راستای تحکیم حاکمیت حداکثری دین در جامعه، گفتمانی متناسب با این نظام معرفتی در جامعه علمی ایجاد و ترویج کند.

با توجه به اینکه اصطلاح حوزه انقلابی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی ایران، و در چند سال اخیر از سوی آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، مورد استفاده و تأکید قرار گرفته و متون نظری این عرصه نیز به ایشان مستند است، بنابراین، این تحقیق، ضمن بازخوانی دیدگاه ایشان در زمینه رویکرد انقلابی حوزه علمیه، مواردی را که نشان‌دهنده چیستی حوزه علمیه تراز



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

انقلاب اسلامی در ابعاد علمی و علوم حوزوی است، مورد عنایت و تحقیق قرار می‌دهد.

الف) مفاهیم اساسی

حوزه علمیه

عالمان دینی در عصر غیبت در راستای تعلیم علوم دینی به طلاب و مشتاقان معارف دینی، مدارس و محافل ایجاد کرده و طلاب با گردآمدن بر محور استادان، این علوم را فرامی‌گرفتند. اگرچه در اصطلاح برای این مدارس نیز می‌توان واژه حوزه را به کار گرفت، شاید بتوان حوزه علمیه را به مجموعه مدارسی اطلاق کرد که در یک منطقه جغرافیایی قرار دارند و از مدیریت متمرکز برخوردارند. حوزه‌های نجف، سامرا، بغداد و حله در زمان گذشته و حوزه‌های قم، مشهد و اصفهان در عصر حاضر، ذیل این اصطلاح از حوزه علمیه قرار می‌گیرند. بر این اساس، می‌توان حوزه علمیه را به مراکز تحصیلی علوم دینی شیعی (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۴۹) به مثابه نهادی دیرپا که کم‌وبیش در همه ادوار پس از غیبت در مناطق شیعه‌نشین وجود داشته معنا کرد که آموزش علوم دینی (عقلانی و وحیانی) مستند به مذهب اهل بیت (ع) و مقدمات لازم آن را به غرض شناخت (تفقه) صحیح دین، ارائه نقشه راه زندگی مؤمنانه در جامعه، تبلیغ معارف دینی و عینیت‌بخشی به دین و اجرای مناسب احکام دینی در جامعه، مد نظر قرار داده‌اند و میراث علمی گران‌سنگی در طول سابقه هزارساله حوزه علمیه در عرصه‌هایی مانند فقه، کلام، فلسفه، اخلاق، تفسیر، عرفان و جز آن در این حوزه علمی نگاشته شده است.

فلسفه تشکیل حوزه‌های علمی به آیه شریفه قرآن مستند است که مؤمنان را به کوچ کردن برای فراگیری دین و انذار مردم در بازگشت به وطن خویش، ترغیب می‌کند: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ. پس چرا از هر فرقه‌ای گروهی کوچ نمی‌کنند تا در دین خدا آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آن‌ها بازگشتند، انذار کنند» (توبه: ۱۲۲).

شاخص‌های علوم حوزوی
در تراز حوزه انقلابی
(با تأکید بر ...
۷ تا ۳۵)

بر این اساس، مسلمانان باید برای فهم اسلام اصیل (فقاہت در دین)، و برای سوق دادن مردم به ارزش‌های اسلامی، در محافل علمی حضور یابند.

حوزه‌های علمیه، کارکردهای متفاوتی دارند. از یک سو، نهاد حوزه، نهادی علمی بوده و فهم عرصه‌های مختلف علم دینی (عقائد، احکام و اخلاق) را به صورت استدلالی، محور عمل قرار داده است؛ و از سوی دیگر، بر اساس تربیت اخلاقی، تهذیب و خودسازی و پرهیزکاری را تمرین و ممارست می‌کند و در نهایت، تبیین، گسترش و اعمال دین در جامعه را در قالب تبلیغ و قضاوت، عهده‌دار می‌شود و پاسخگوی شبهات وارده به دین است.

بر این اساس، علم‌آموزی و تبیین علوم اسلامی، بخشی از کارکردهای حوزه علمیه محسوب می‌شود و از آنجا که علوم اسلامی نیز مانند سایر علوم، علاوه بر رویکرد دانشی و فهم همه‌جانبه دین، به غرض حل مشکلاتی در جامعه، مورد توجه قرار می‌گیرند، باید علوم حوزوی را در راستای حل مشکلات و معضلات جامعه، مورد عنایت قرار داد؛ و از آنجا که حوزه علمیه و علوم حوزوی، کارکردهای متفاوتی دارند، می‌توان کارکردهای آن را با عنایت به گونه‌های متفاوت مخاطبان آن تعیین کرد. از یک سو، مخاطب علوم حوزوی غیرمؤمنان هستند؛ بدین صورت که علوم حوزوی، مانند فلسفه و کلام، در راستای حراست از مرزهای عقیدتی اسلام، تبیین عقلانی باورهای دینی و پاسخ به شبهات در این زمینه را مد نظر قرار می‌دهند؛ و از سوی دیگر، مؤمنان، مخاطب اساسی علوم حوزوی هستند، بدین صورت که در این علوم، هم جزئیات باورها و عقاید دینی برای مؤمنان، تبیین شده، نقشه راه زندگی‌شان در قالب بایسته‌های شرعی، در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی آنان، ارائه شده و هم شایستگی‌های زندگی دینی در قالب اخلاق، برای آنان تبیین می‌شود. همچنین، از آنجا که «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۸۹)، بنابراین، از کارکردهای علوم حوزوی (فقه) سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری برای نظام اسلامی است که بر



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

اساس مجموعه نظریات و احکام اداره جامعه در سطح کلان و تدبیر کلان جامعه به سوی سعادت مادی و معنوی صورت می‌پذیرد.

علوم حوزوی

با توجه به اینکه دانش‌اندوزی و علم‌آموزی در حوزه‌های علمیه به فهم معارف اسلامی محدود شده و غرض از تحصیل در حوزه‌ها، فهم دین در سه عرصه کلان عقائد، احکام و اخلاق است، علاوه بر این، علومی مانند فلسفه و کلام (در ساحت عقائد) و احکام (فقه) و اخلاق، همه دانش‌هایی را که به فهم دین آموزه‌ها و نصوص دینی در این عرصه‌ها کمک کرده است یا مقدمه فهم معارف اسلامی به شمار می‌روند، می‌توان از علوم حوزوی برشمرد. بر این اساس، علومی مانند «ادبیات عرب»، «فقه»، «اصول فقه»، «درایه»، «رجال»، «منطق»، «فلسفه»، «کلام»، «علوم قرآنی»، «تفسیر قرآن»، «اخلاق»، «عرفان»، «ریاضیات»، «هیئت» و «طب» را می‌توان از مصادیق علوم حوزوی به شمار آورد. گرچه برخی از این علوم به تناسب و اقتضائات زمانه در برخی زمان‌ها، بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و در برخی زمان‌ها، به صورت محدود مورد استفاده قرار گرفته‌اند، و از سوی دیگر، با عنایت به اینکه غرض از علوم حوزوی، مقدمیت آن برای هدایت و ارشاد مردم، اداره مطلوب جامعه و سیاست‌گذاری برای نظام اسلامی است، بنابراین، هر آنچه را می‌تواند بنا به اقتضائات و نیازهای عصر، مقدمه این امور باشد، نیز می‌توان در زمره علوم حوزوی قرار داد.

حوزه انقلابی

از حوزه انقلابی، برداشت‌های مختلفی می‌توان ارائه کرد. در حالی که مطابق با یک برداشت، مراد از حوزه انقلابی، استناد حوزه به انقلاب اسلامی به مثابه نهادی ذیل نظام اسلامی و مدافع انقلاب اسلامی است، در برداشت دیگر، واژه «انقلابی» ممکن است صفت دانش حوزه علمیه باشد، ممکن است این واژه، وصف ساختار حوزه باشد و ممکن است حوزه انقلابی به لحاظ اِتصاف طلاب (استادان و طلاب) حوزه علمیه باشد، زیرا رفتارهای سلبی و ایجابی آنان در تقابل با نظام سلطه و حمایت از نظام اسلامی و پرداخت هزینه‌های مالی، بدنی و فکری و ... در قبال این رفتارها را می‌توان به فعالیت حوزه علمیه در راستای انقلابی‌گری مستند کرد.

شاخص‌های علوم حوزوی

در تراز حوزه انقلابی

(با تأکید بر ...

۷ تا ۳۵)

در حالی که از برداشت اول از حوزه انقلابی، می‌توان به حوزه غیر مستقل و حکومتی تعبیر کرد، در برداشت دوم، حوزه علمیه ضمن استقلال، و روحیه تحوّل خواهی نسبت به علوم موجود، به آرمان‌های انقلاب اسلامی، دغدغه داشته و لذا دانش‌های حوزوی را به جهت اداره مطلوب ساحت‌های مختلف نظام اسلامی بکار گرفته و ضمن طراحی ساختار و محتوای مطلوب، پاسخگویی به پرسش‌های نظام را مد نظر قرار دهد. طبیعی است این امر موجب تحوّل، روزآمدی، کارآمدی، کاربردی و نظام‌وارگی دانش‌های حوزوی خواهد شد.

بر اساس رویکرد سوم از حوزه انقلابی، باور به تحوّل‌خواهی موجب می‌شود ساختار حوزه رویکردی کارآمد داشته باشد و ساختار حوزه علمیه با توجه به امکانات، شرایط و موانع طراحی طراحی می‌شود که ضمن چابکی بتواند در زمان کمتری به‌طور مطلوب‌تر غایات حوزه و انقلاب را تأمین کند؛ در حالی که رویکرد چهارم از حوزه انقلابی، به رفتار حوزویان در پشتیبانی از انقلاب اسلامی و دفاع از آرمان‌های آن در برابر دشمنان داخلی و خارجی عنایت دارد.

بر اساس احتمالات چهارگانه، دو گونه احتمال اساسی برای معنای انقلابی وجود دارد. در حالی که مطابق با یک معنا، انقلابی‌گری به معنای استناد، حمایت و پشتیبانی از انقلاب اسلامی است در احتمال دوم، مراد از انقلابی‌گری، همان‌طور که از معنای لغوی انقلاب برمی‌آید، تحوّل‌خواهی است. گرچه می‌توان وجود همزمان دو عنصر «تحوّل‌خواهی» و «دغدغه‌مندی نسبت به انقلاب اسلامی ایران» را در مفهوم حوزه انقلابی جای داد.

با عنایت به آنچه در مفهوم حوزه انقلابی بیان شد، این تحقیق درصدد است علاوه بر تبیین ضوابط توسعه علوم حوزوی در سطح تراز انقلاب، دانش‌های حوزوی را با عنایت به تراز مطلوب حوزه انقلابی مورد بحث و بررسی قرار دهد.

ب) ضوابط توسعه علوم حوزوی به تراز انقلاب

با وجود اینکه برخی علوم حوزوی در ادوار مختلف عصر غیبت، فاقد روزآمدی مناسب بوده و تحولات صورت پذیرفته در این علوم، متناسب با پرسش‌های زمانه نبوده است، ایستایی و جمود در علوم حوزوی هیچ‌گاه در



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

حوزه‌های علمیه نامطلوب است و عالمان حوزوی در راستای تحولات جامعه، تحول‌خواهی در علوم حوزوی را مد نظر قرار می‌دادند. بر این اساس، گرچه علمی مانند فلسفه و اخلاق اسلامی در سده‌های متفاوت، متناسب با نیازهای روزآمد و در مقایسه با علم فلسفه و علم اخلاق موجود در مکاتب غربی شاهد مکاتب متعدد و متنوعی به دلیل اداره مطلوب جامعه نبوده بلکه رویکرد سیاسی، اجتماعی و حکومتی نیافته‌اند؛ و علمی مانند فقه، با وجود تکثر و تنوع مسائل مستحدثه و ورود به عرصه‌های نوین، رویکردی متناسب با اداره جامعه‌ای وسیع و حکومت دینی نیافته و همواره در محدوده نیازهای فردی، به نیازهای مؤمنان و مکلفان، پاسخ گفته‌اند، اما این علوم، همواره دارای نوآوری بوده و پاسخگوی پرسش‌های مخاطبان خویش در محدوده زندگی مؤمنانه و در محدوده نیازهای فردی مؤمنان بوده‌اند.

با وجود نوآوری و تحول‌خواهی در علوم حوزوی در ادوار مختلف، آنچه تراز علوم حوزوی را متناسب با حوزه انقلابی متمایز می‌کند، نوآوری، تحول و پاسخگویی نسبت به نیازهای روزآمد انقلاب اسلامی در اداره مطلوب ساحت‌های مختلف نظام اسلامی و شئون مختلف زندگی فردی اجتماعی و حکومتی است. تحول علوم حوزوی در راستای وصول به تراز انقلاب اسلامی در گرو ضوابطی است که تحقق آن را تضمین می‌کند و به آن علوم هویت متمایز می‌بخشد. برخی از این ضوابط، به اختصار به شرح زیرند:

پویایی در روش

علوم حوزوی که به غرض تبیین دیدگاه شیعه در عصر غیبت معصوم (ع) تشکیل شده است، در سالیان آغازین تولید، رویکردی بسیط و ساده دارد و طبیعتاً از روش‌شناسی ساده‌ای در فهم و استنباط بهره می‌گرفت، در طول زمان و با تنوع نیازهای انسان‌ها و افزوده‌شدن پرسش‌ها و موضوعات جدید^۱ (مطهری، ۱۴۱۸،

۱. مطالعه و تتبع در کتب فقهیه در دوره ما و قرون مختلف می‌رساند که به تدریج برحسب احتیاجات مردم مسائل جدیدی وارد فقه شد و فقها در مقام جواب‌گویی برآمده‌اند و به همین دلیل به تدریج بر حجم فقه افزوده شد.

ص ۹۸) و به‌ازای دقت و پیچیدگی موضوعات، و به اقتضای اشمال آن نسبت به افراد و جامعه، پیچیدگی و تنوع می‌یابد.^۱ ولی با اینکه علوم حوزوی، همواره بر روش‌های مشخصی که در سالیان عصر غیبت، کارآیی خویش را نشان داده، مبتنی بوده است، و از آنجا که عمده دغدغه عالمان شیعی، پاسخ به پرسش‌های فردی در زندگی مؤمنانه شیعیان بوده و امروزه به اداره نظام سیاسی و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه کلان و تدبیر امور شهروندان، توسعه یافته است، علوم حوزوی باید در این راستا، پویایی متناسب با حجم پرسش‌ها و مسائل نظام سیاسی، در خود ایجاد کرده و بتوانند عرصه‌ها و ساحت‌های جدیدی را در این علوم ایجاد کنند. ولی پویایی دانش‌ها، در صورتی می‌تواند مفید و مؤثر باشد که بتواند بر روش‌های ثابت و امتحان شده مبتنی باشد:

«در مورد روش تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنی نیست که فقه اسلام پویا نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۸۹).

امام خمینی، ضمن عنایت به پاسخ‌گویی نسبت به نیازهای روزآمد از سوی عالمان اسلامی، بر همراهی آنان با تحولات اجتماعی و ضرورت تفکر برای تحول و پویایی دانش‌های اسلامی و ملاحظه شرایط و نیازهای جامعه در سالیان آینده تأکید کرده است:

«چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری، برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام، از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۹۲).

بدیهی است این گونه نیست که روش‌های مورد استفاده در علوم حوزوی به بالاترین ظرفیت خود رسیده و قابلیت تحول نداشته باشند. بلکه از آنجا که کارآیی

۱. آیت‌الله خامنه‌ای، پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه ۱۳۷۱/۸/۲۴؛ فقه اسلام آنگاه که اداره زندگی فرد و جامعه - با آن گستردگی و پیچیدگی و تنوع را - مطمح نظر می‌کند مباحثی تازه و کیفیتی ویژه می‌یابد.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

و کارآمدی روش، مقوله‌ای مشکک و دارای مراتب بوده و در هر زمان می‌توان از تحول و کارآمدی متناسب با همان زمان و شرایط یاد کرد. بنابراین، در هر زمان می‌توان از تحول و کارآمدی متناسب با شرایط جامعه یاد کرد: «نمی‌شود ادعا کرد که ما امروز رسیدیم به اوج قله فقاقت و این شیوه، دیگر از این بهتر نخواهد شد... (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۹/۱۳) همین روش فقاقت احتیاج به تهذیب، نوآوری و پیشرفت دارد. باید فکرهای نو روی آن کار بکنند، تا اینکه بشود کارایی بیشتری به آن داد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

کارآمدسازی

ملاک اساسی در فهم دین، استناد آن دیدگاه به متون، منابع و ادله مورد تأیید است و نمی‌توان فارغ از منابع اصلی دین (عقل و نقل) و ادله اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل)، مطلبی را به دین نسبت داد. از این رو، در طول سالیان عصر غیبت، ملاک حجیت سخنان و دیدگاه‌های مطرح‌شده، استناد آنان به منابع اصیل دین بوده و سخنان و دیدگاه‌هایی که بی‌توجه به این منابع و ادله ارائه شود فاقد حجیت و اعتبار دانسته شده و غیر قابل تبعیت برشمرده می‌شدند.^۱

ولی دانش‌های حوزوی که در طول سده‌های متمادی پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و نیازهای مؤمنان به شریعت را برعهده داشته‌اند و با محور قرار دادن افراد یا گروه‌های محدود، در عمل پای خویش را از محدوده فقه فردی به حوزه پاسخ‌گویی به دیدگاه‌های کلان در حوزه نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... نگذاشته بود، با پیروزی انقلاب اسلامی و مواجه شدن با نیازها و پرسش‌های نوین در حوزه‌های مختلف جامعه و نظام سیاسی، در عمل گام از حوزه امور فردی فراتر

شاخص‌های علوم حوزوی
در تراز حوزه انقلابی
(با تأکید بر ...
۷ تا ۳۵)

۱. آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار با برادران و خواهران طلبه حوزه علمیه اراک، ۱۳۶۴/۹/۷؛ «از وقتی اصول دین و اثبات خدا و توحید و معاد، دست غیر فقها افتاد انحراف‌ها به وجود آمد. آن روزی که برای اثبات وجود صانع یک عده آدم‌هایی که از فقه اسلامی بی‌بهره بودند و از روش استنباط بی‌اطلاع بودند، وارد کار شدند، پایه‌های التقاط گذاشته شد. مدعی توحید بودند، اما توحیدشان محتوای ما دیگری داشت.»

نهاده و با عهده‌دارشدن مدیریت امور یک کشور عظیم، گستره وسیعی از مسائل، موضوعات، پرسش‌ها و نیازها را فراروی خود دید. بلکه ساختار نظام اسلامی اقتضا کرد بسیاری از مباحث فقه، از حالت نظری و انتزاعی صرف خارج و به صحنه اجتماع وارد شود و صبغه عملی و کاربردی یابد. این امر موجب شده است فهم مباحث در عصر حاضر و در حوزه مباحث مورد نیاز نظام سیاسی و اجتماعی با فهم همان مسائل در حوزه امور فردی، متمایز گشته و با پیچیدگی‌هایی همراه شود. زیرا عالمان از یک سو، باید آرا و دیدگاه‌های خویش را به ادله موجود در آموزه‌های دین مستند کنند؛ و از سوی دیگر، پیچیدگی‌های جامعه موجب شده است، عمل به ظاهر برخی از این امور میسر نباشد. بلکه کارآمدی و کارایی دین به دلیل اداره کامل همه شئون جامعه را با تردید و ابهام مواجه کند، به تعطیل برخی امور لازم منجر شود و جامعیت و دوام دین تا روز قیامت را به زیر سؤال ببرد. از این رو، عالمان جامع‌نگر و دوراندیش، در فرایند چالش میان آرمان (استناد همه امور زندگی و جامعه به ظواهر شریعت) و واقعیت (عدم امکان این استناد و اتهام به ناتوانی اداره صحیح امور جامعه)، بازخوانی آموزه‌های دین را مد نظر قرار دهند و بر عنصر کارآمدی در کنار عنصر حجیت و استناد به نصوص دینی تأکید کنند.

از آنجا که کارآمدی هر چیز، در گرو «قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص، سنجش مقدار کارایی از طریق مقایسه مقدار استاندارد با هدف یا مقدار کیفیتی که عملاً به دست آمده است» (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۴۴۶)، و برای شناخت کارآمدی علوم حوزوی باید بر اساس سه شاخص عمده شامل «اهداف»، «امکانات» و «موانع» قضاوت کرد، به هر مقدار که علوم حوزوی با توجه به سه شاخص یادشده، در تحقق اهداف خود توفیق کسب کرده باشد، به همان نسبت کارآمد شمرده می‌شود^۱ (فتحعلی، ۱۳۸۲).

بر این اساس، علوم حوزوی در صورتی می‌توانند رویکردی کارآمد یافته و در دستیابی به اهداف و کارویژه‌های خود موفق باشد که ضمن آشنایی با شرایط و

۱. کارآمدی عبارت است از موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

اقتضائات زمانه، مبانی خود را بازخوانی کرده با ایجاد تحول در روش‌ها، نگرش‌ها، مسائل و مباحث خود، توانایی خود در پاسخگویی به نیازها و پرسش‌های روزآمد را افزوده و اداره مطلوب جامعه متناسب با شرایط زمانه خویش را تضمین نماید. زیرا هدف اساسی از علوم حوزوی، تحقق عینی آثار آن در جامعه است:

«هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، صص ۲۹۰ - ۲۸۹).

روزآمدی

با اینکه علوم حوزوی مبتنی بر مبانی و آموزه‌های دین است، ماهیت مباحث این علوم، در گرو مباحث و حوادث روزمره نیست. ولی از یک سو، معمولاً علوم متناسب با پرسش‌های زمانه و در پاسخ به آن‌ها متحول و تناور می‌شوند؛ و از سوی دیگر، رویکرد علوم حوزوی نه پرداختن به مباحث ذهنی صرف، بلکه عنایت به هدایت افراد و جامعه به سوی سعادت است. بنابراین، درک شناخت صحیح و واقعی از جامعه، پرسش‌ها، مشکلات و دغدغه‌های آن سهمی موثر در پویایی و روزآمدی مباحث علوم (به‌ویژه علوم حوزوی) دارد.

«روحانیت، تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح، برای اداره جامعه کافی نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۹۲).

بر این اساس، متولیان و عالمان علوم حوزوی نمی‌توانند همچنان به مباحثی که در سالیان دور به عنوان موضوع و مسئله علومشان وجود داشته، اکتفا کرده و با تکرار همان مباحث یا تعمیق آنان، روزمرگی پیشه کنند و از طرح و بحث مباحث نوپدید سرباز بزنند. این امر نه فقط موجب رکود علوم می‌شود، بلکه از آنجا که سیاست، علمی برشمرده شده است که همه شکل‌های رابطه قدرت را در مکان و زمان‌های گوناگون بررسی می‌کند و جهت و چگونگی اعمال این قدرت را

شاخص‌های علوم حوزوی
در تراز حوزه انقلابی
(با تأکید بر ...
۷ تا ۳۵)

می‌نمایاند (ابوالحمد، ۱۳۷۶، ص ۲۹)، اداره نظام اسلامی و تحول علوم حوزوی به مثابه نرم‌افزار تدبیر مطلوب جامعه اسلامی، مستدعی روزآمدی علوم و درک اقتضائات شرایط زمانه و پرسش‌های روز و پاسخ مناسب به آن‌هاست:

«زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به‌ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند... مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۸۹).

آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه، نقطه مقابل نوآوری و تحول به‌طور روزآمد و پاسخ به نیازهای فردی، اجتماعی و حکومتی در معارف اسلامی به دلیل اداره نیازهای روزآمد کشور اسلامی را در ظاهرگرایی و اکتفا به ظاهر معارف اسلامی بدون عنایت به اقتضائات و شرایط جامعه دانسته و از آن تحجر به‌عنوان بلای بزرگ جامعه اسلامی یاد کرده است:

«تحجر آن است که کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا نماید و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را در آنجایی که قابل کشش است، درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور که نیاز لحظه‌به‌لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه دهد. این، بلای بزرگی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴).

بدیهی است اقتضای روزآمدی و فقدان روزمره‌گی، به احکام الهی و فقه شیعه محدود نیست، بلکه همه علوم حوزوی (اسلامی) باید شبهات و پرسش‌های جدیدی که کیان اسلام و باورهای مسلمانان را تهدید می‌کند، رصد کنند و در پاسخگویی به آن بکوشند. برای نمونه با توجه به حجم وسیع شبهات عقیدتی که در سالیان اخیر از دنیای غرب، باورهای مسلمانان را هدف گرفته است، بر عالمان علم فلسفه و کلام است که با کسب خبر از این شبهات به‌سرعت، پاسخی مناسب و متقن به آن بدهند. همان‌طور که در زمان‌های گذشته این امر از سوی عالمان کلام و فلسفه صورت می‌پذیرفت. بر این اساس حوزه علمیه انقلابی باید بتواند در راستای حراست از باورهای دینی و مذهبی مردم، قبل از اشاعه شبهات، آنان را



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

رصد کند و پاسخی مناسب ذیل کتب، مقالات، سخنرانی‌ها و ... به این شبهات بدهد:

«در حالی که امروز بیشترین تهاجم از سمت مباحث کلامی است، (در گذشته عقب نبودیم. هر کسی یک چیزی می‌گفت، فوراً جوابش حاضر بود). امروز اینقدر مباحث کلامی مطرح می‌شود در دنیا که حوزه علمیه از او مطلع نمی‌شود. می‌دانید چه قدر در مسئله دین‌شناسی و فلسفه دین در دنیا امروز بحث هست و کسانی دارند می‌نویسند، می‌گویند، تحقیق می‌کنند؛ ما خبر نداریم. این نمی‌شود، این عیب بزرگی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۹/۱۳).

نظام‌وارگی

از آنجا که اسلام، به عنوان دین جامع و خاتم، مشتمل بر مباحث فراوان و عرصه‌های مختلف است و یک عالم قادر نیست، نسبت به همه مباحث دین آگاهی داشته باشد، با پذیرش تخصصی شدن علوم اسلامی (حوزوی) هر یک از عالمان، با عنایت به برخی مباحث دین اسلام، متصدی بخشی از علوم حوزوی می‌شوند و پرسش‌ها و نیازهای همان عرصه را پاسخ می‌گویند. همچنین، برخی از این علوم، خود نیز دارای رشته‌های تخصصی تری شده‌اند، که از آن میان، می‌توان به علم فقه و گرایش‌های فقه سیاسی، فقه اقتصادی، فقه عبادی، فقه قضائی و ... یاد کرد. با وجود ضرورت و فواید بسیار زیاد تخصص‌گرایی در علوم اسلامی، این امر تبعاتی نیز داشته است. زیرا هر یک از اندیشمندان اسلامی، بحثی خاص را مورد عنایت قرار داده و مناسبت مباحث دانش خویش با سایر دانش‌های حوزوی را مد نظر قرار نداده‌اند، و از این رو، مباحث بین رشته‌ای در میان علوم حوزوی رشد نکرده است. همچنین، با توجه به اینکه نظام اسلامی، امروزه در برابر مکاتبی منسجم قرار دارد که دیدگاه خویش را در قالب نظام‌واره‌های مشخصی ارائه کرده و بنابراین، میان مبانی و رفتارهای آنان ارتباط معنا داری برقرار است، بلکه هر یک از عرصه‌های سیاست، اقتصاد، فرهنگ، اخلاق و ... ارائه شده نیز در رابطه با یکدیگر، نظام‌واره معینی را ارائه می‌کنند، بنابراین، علوم حوزوی و اسلامی نیز باید در قالب

شاخص‌های علوم حوزوی
در تراز حوزه انقلابی
(با تأکید بر ...
۷ تا ۳۵)

پاسخ به نیازهای نظام اسلامی، رویکردی منسجم، منظم، هدفمند، ساختارمند و نظام‌واره داشته باشند. بر همین اساس، در قبال نظام‌های تربیتی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی معاصر نمی‌توان به بیان احکام و جزئیات دیدگاه اسلام، فارغ از نظام معنایی حاکم و ارتباط هر بخش نسبت به بخش‌های دیگر قناعت کرد. بلکه این امر مستدعی نگرش کلان به مجموعه دین و احکام است، که به مجموعه پرسش‌های فرعی و اساسی انسان در شئون مختلف انسان (حیثیت فردی، اجتماعی و حکومتی)، و در ساحت‌های مانند اخلاق، اقتصاد، فرهنگ، سیاست، حقوق و ... پاسخ مناسب بدهد. این رویکرد نظام‌واره گرچه همواره مفید و موثر است، ولی تحقق نظام اسلامی و ضرورت ارائه نظام معرفتی حکومت در قالب نظام‌واره‌های مختلفی مانند نظام امنیتی، نظام نظارتی، نظام حقوقی، نظام فرهنگی و جز آن مستدعی رویکرد نظام‌واره در ارائه علوم حوزوی است. برای نمونه، در پاسخ به نظام سیاسی مطلوب باید علاوه بر اهداف و غایات نظام سیاسی و مشروعیت این حکومت، ساختار مطلوب قدرت، گونه نظارت بر کارگزاران شیوه مناسب توزیع قدرت، شرایط و ویژگی‌های کارگزاران، نظام امنیتی، گونه و گستره آزادی‌های سیاسی و نظام اخلاق سیاسی در خصوص حاکمان و کارگزاران نظام، در کنار هم و با عنایت به اداره یک نظام سیاسی، مد نظر قرار گرفته، و برای فهم این نظام‌واره هم علمی مانند فقه، کلام، فلسفه، اخلاق و.. در کنار هم به کار گرفته شود.

نظام‌های سیاسی که به لحاظ فرهنگی، ارزشی، اقتصادی و اجتماعی در محیطی پویا قرار دارند، نمی‌توانند راکد و ایستا باشند و باید با توجه شرایط متغیر اجتماعی، خود را تکمیل و اصلاح کنند. البته اصلاح به معنای نفی هر چه در گذشته رخ داده یا اصول و بنیادهای نظام نیست، زیرا در این صورت نقض غرض صورت گرفته است. یعنی به جای آنکه نظام سیاسی تکمیل و اصلاح شود، جای خود را به سیستم سیاسی دیگری می‌دهد. بدیهی است فهم نظام سیاسی اسلام به زمانی خاص محدود نبوده، بلکه در هر زمان و شرایطی می‌توان از نظام سیاسی متناسب با آن زمانه، سخن به میان آورد. بر این اساس، نه فقط فقیهان باید قلمرو فقه سیاسی را از محدوده استنباط احکام شرعی سیاسی، به محدوده نظریات سیاسی و فهم نظام سیاسی توسعه دهند، بلکه باید نظام سیاسی متناسب با هر زمانه



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

را بر اساس فهمی اجتهادی، استنباط کنند و ضمن رفع نواقص احتمالی نظام سیاسی موجود، در فهمی روزآمد از نظام سیاسی ارائه دهند. بدیهی است با عنایت به اینکه کارآمدی مانند روزآمدی از ارکان اساسی نظام سیاسی است، فقیهان باید به صورت روزآمد، نظریات گذشته را ترمیم و تکمیل کرده و ضمن رفع نواقص آن، گونه مطلوب از نظام سیاسی را بر اساس آموزه‌های فقهی و روش اجتهاد ارائه کنند:

«نظام‌سازی یک امر دفعی و یکباره نیست؛ نظام‌سازی یک امر جاری است؛ روزبه‌روز بایستی تکمیل شود، این جزو متمم نظام‌سازی است. اینکه نظام‌سازی جریان دارد، معنایش این نیست که قانون اساسی مان را خراب کنیم، نظام حکومتی و دولتی مان را ضایع کنیم؛ نه، آنچه را که ساختیم، حفظ کنیم، نواقصش را برطرف کنیم، آن را تکمیل کنیم» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۱۷).

اگرچه نظام‌سازی و پرداختن نظام‌واره برای همه علوم حوزوی ضروری است، به نظر می‌رسد این رویکرد برای فقه به مثابه اساسی‌ترین دروس حوزوی و به عنوان نرم‌افزار اداره مطلوب جامعه دینی ضروری‌تر است. بر این اساس، برخلاف زمان‌های گذشته که پرداختن به نیازهای فردی مؤمنان، عمده اهتمام فقه را به خود اختصاص می‌داد، امروزه فقه، مشتمل بر حجم وسیعی از موضوعات اجتماعی و سیاسی است، بلکه اداره شریعت‌مدار نظام سیاسی در عصر غیبت را در عصر حاضر بر عهده دارد؛ و از آنجا که اداره نظام سیاسی، با آموزه‌های پراکنده، متناقض و مقطعی حاصل نشده است و جز با انسجام، هدف‌داری و نظام‌وارگی، میسر نمی‌شود، بنابراین، باید بازخوانی و بازنگری در ترتیب ابواب فقه، در راستای نظم مجدد ابواب فقهی بر اساس نیازهای روزآمد و ارائه ساختاری منظم و کارآمد به دلیل اداره مطلوب جامعه صورت گیرد و قرائتی نظام‌واره و منسجم از آن ارائه شود. چه آنکه اداره نظام سیاسی، خود، مستلزم طرحی نظام‌واره در زمینه آموزه‌ها و ابواب فقه در زمینه تدبیر و اداره نظام سیاسی - اجتماعی است. از این رو، ابواب فقه مانند را نمی‌توان به عنوان جزیره‌های مختلفی تصویر کرد که تنها در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و منطقی واحد برای همه آن‌ها حاکم نیست، یا می‌توان

شاخص‌های علوم حوزوی
در تراز حوزه انقلابی
(با تأکید بر ...
(۷ تا ۳۵)

پلهایی را در راستای اتصال این جزیره‌ها را به یکدیگر ایجاد کرد، یا گونه چینش این باب‌ها، را در راستای فلسفه این مباحث فقهی به دلیل رفع مشکلات کلان نظام اسلامی در همه شئون یک حکومت دانست (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۸۹).

بدیهی است گرچه فقه شیعه در فرایند تحول‌خواهی و براساس مبانی فقهی، مستلزم رویکرد نظام‌وارگی خواهد بود، آنچه این رویکرد را ذیل حوزه انقلابی قرار می‌دهد این است که احکام، تابع تحقق موضوعات است و با وجود تحقق نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌های فقهی، تدوین فقه بر اساس رویکرد استنباط نظام‌مند به مباحث مورد پرسش انقلاب اسلامی، ضروری و گریزناپذیر به نظر می‌رسد.

ج) راهکارهای توسعه علوم حوزوی به تراز انقلاب

با اینکه وصف انقلابی‌گری در عمل به ملاک رفتارهایی سنجیده می‌شود که در راستای تحقق اهداف انقلاب و با تحمل هزینه‌های مادی، جسمی و معنوی حاصل می‌شود، از این رو، انقلابی‌گری معمولاً به فعالیت‌های جهادی در قالب عزیمت به جهاد، رویارویی با منافقان، تبلیغ علنی برای انقلاب و ... اطلاق می‌شود، اما هنگامی که رویکرد انقلابی، وصف حوزه علمیه به مثابه نهادی علمی، دینی، تبلیغی، اطلاق می‌شود، در مرحله اول از این نهاد این انتظار می‌رود در فعالیت‌های انقلابی خویش، رویکرد علمی را مقدم دارند و محور عمل اصلی خویش قرار دهند و از این طریق به انقلاب کمک برسانند. این نهاد به مثابه الگوی رفتاری مردم، در صورتی می‌تواند در جلب و توسعه مشارکت حداکثری مردم در حمایت از نظام اسلامی، توفیق یابد که در آغاز نقشه راه صحیح انقلاب، کارگزاران و مردم را تبیین کرده و مبانی و برنامه عمل نظام اسلامی را متناسب با شرایط زمانه ارائه کنند و راهکارهای توسعه آن را فراهم کند. بدیهی است بر این اساس، رویکرد علمی برای حوزه از اولویت برخوردار است و تأثیری مضاعف و عمیق در حمایت از نظام اسلامی خواهد داشت:

«در همین حوزه، افراد متعددی هستند که کتاب می‌نویسند، مسافرت می‌کنند، گرسنگی و خستگی می‌کشند؛ به جبهه جنگ می‌روند؛ به جبهه تبلیغ می‌روند؛



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

این‌ها، حرکات فردی است و کافی نیست. این‌ها، نارسایی‌هایی است که حاکی از وجود علت‌هایی در داخل است... علت اول این است که «فقه»، به زمینه‌های نوظهور گسترش پیدا نکرده، یا خیلی کم گسترش پیدا کرده است. امروز، خیلی از مسائل وجود دارد که فقه باید تکلیف این‌ها را معلوم کند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳/۹/۱۳۷۴).

از این رو، این تحقیق، فارغ از رفتارهای انقلابی، رویکرد علمی در حوزه علمیه را مد نظر قرار داده است و انقلابی‌گری در حوزه را به لحاظ راهکارهای علمی که می‌تواند حمایت از نظام سیاسی در حوزه علمیه را تضمین کند، مورد بحث و بررسی قرار خواهد داد.

بازتولید در راستای اداره مطلوب نظام اسلامی

عالمان شیعه که در عصر حضور امام معصوم (ع)، خود را از تولید معارف اسلامی بی‌نیاز دیده‌اند و برای رفع نیازهای خویش، به پرسش از امام معصوم (ع) اکتفا می‌کردند و عمده رویکرد عالمان شیعه، نقل روایات اهل بیت (ع) بود، در عصر غیبت، به دلیل حفظ جامعه شیعه از زوال و انحطاط، تضمین دوام و بقای مذهب شیعه، تدوین نقشه راه عملی شیعیان در زمان غیبت امام معصوم (ع) و پاسخ به پرسش‌های نوپدید، علوم اسلامی در قالب علمی چون: کلام، فقه، اخلاق، تفسیر و ... را آغاز کرده و از همین رو، هویت علمی مذهب شیعه را در مقابل سایر مذاهب حفظ کردند که آنان را از سایر مذاهب و ادیان متمایز می‌کرد.

با اینکه علوم اسلامی در سده‌های آغازین تولید شد، و نیازهای محدود جوامع شیعی پاسخ داده می‌شد، ولی از آنجا که شیعیان به‌طور پراکنده و محدود در مناطق جغرافیایی خاصی سکونت داشته‌اند و به قدری از گستردگی جمعیتی برخوردار نبودند که بتوانند جامعه‌ای وسیع در قالب یک کشور را تشکیل دهند، بنابراین، به صورت گروه‌های اقلیت ذیل کشورهای سنی‌مذهب زندگی می‌کردند و عالمان شیعه نیز تنها درصدد بودند در راستای حفظ هویت شیعه‌گری این جمعیت، پاسخ‌گویی نیازهای محدود و فردی آن‌ها باشند. بنابراین، تدوین علوم شیعی نیز در راستای این‌گونه نیازها بوده است. طبیعی است چون نیازهای این شیعیان از محدوده نیازهای فردی تجاوز نکرده است و نه تنها به حوزه نظام سیاسی گسترش

شاخص‌های علوم خوزوی
در تراز حوزه انقلابی
(با تأکید بر ...
۷ تا ۳۵)

نیافت، بلکه بحث از مباحث نظام سیاسی و اداره کلان مردم در قالب یک کشور در آن زمانه، امری لغو و بیهوده می‌نمود، عالمان شیعه بر اساس شرایط زمانی موجود که حاکی از جمعیت اندک شیعه و ضعف قدرت آنان بود و آنان را از تشکیل نظام سیاسی با زعامت عالمان شیعه ناامید می‌کرد، بدین باور نائل آمدند که موضوع و زمینه‌ای برای این امر وجود ندارد. از این رو، عالمان که بر اساس موضوعات و مصادیق جامعه حکم رانده و شرایط زمان و مکان را هم در این باب لحاظ می‌کردند، چون زمینه‌ای برای طرح مباحث حداکثری نمی‌دیدند، متونی در این زمینه تدوین نکردند، بلکه این امر در آن زمان امری بیهوده می‌نمود. برای مثال، تا وقتی که روستا به شهر بزرگ یا کلان‌شهر تبدیل نشده باشد، نمی‌توان در انجمن مشاوره آن روستا صحبت از احداث مترو در آن روستا کرد. این پیشنهاد وقتی مورد توجه قرار می‌گیرد که این روستا تبدیل به کلان‌شهر شده، و مشکل رفت‌وآمد از این طرف شهر به آن طرف، از دغدغه‌های عمده اهالی بوده باشد. به همین تناسب، اگر در یک کلان‌شهر، صحبت از احداث مترو نشود، عیب است صحبت از آن برای یک روستا امری بیهوده جلوه می‌کند، بنابراین، صحبت از نظام سیاسی برای شیعه، در فرض جمعیت بسیار قلیل و در حالت تقیه و خفقان آن روزگار نه تنها امری مطلوب نمی‌نمود، بلکه بیهوده نیز جلوه می‌کرد. بنابراین از اوایل قرن چهارم تا اوایل قرن دهم، همت فقها صرف تکوین هویت مذهبی شیعه و بارورکردن نهال

ضعیف تشیع در جهان اسلام شده بود (ایزدهی، ۱۳۹۲، صص ۱۸۸-۱۸۷).

«فقه شیعه به خاطر طول سال‌هایی که فقهای شیعه و خود گروه شیعه در دنیای اسلام، دسترسی به قدرت و حکومت نداشتند، و فقه شیعه، یک فقه غیرحکومتی، و فقه فردی بود، در میان کتب فقهی شیعه، بسیاری از مباحثی که مربوط به اداره کشور است، جای اینها خالی است... فقهای شیعه در این مورد، تقصیر یا قصوری نکرده‌اند. برای آنها، این مسائل مطرح نبوده است. فقه شیعه، جامعه سیاسی را نمی‌خواسته اداره کند. حکومتی در اختیار او نبوده است، که جهات آن حکومت را بنخواهد اداره و احکام آنها را از کتاب و سنت استنباط کند. لذا فقه شیعه و کتب فقهی شیعه، بیشتر فقه فردی بود» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۳/۱۴).

بر این اساس، و با عنایت به اینکه علوم اسلامی باید مقدمه تحقق حداکثری



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

اسلام در جامعه باشند، با پیروزی انقلاب اسلامی و امکان تحقق حداکثری آموزه‌های دین در جامعه، عالمان باید ضمن بازخوانی علوم اسلامی (حوزوی) بر اساس رویکردی متفاوت و با محوریت اداره حکومت اسلامی، این علوم را بازتولید کرده و از این علوم بدین جهت استفاده کنند؛ زیرا شایسته نیست با وجود تحقق حکومت اسلامی در جامعه، فقیهان، تنها به اداره زندگی مؤمنانه اکتفا کرده و از بررسی احکام اداره کلان جامعه شانه تهی کنند. بنابراین، اقتضای حوزه انقلابی به مثابه نهادی که در عین استقلال، دل در گرو اداره مطلوب حکومت اسلامی دارد، این است که فقه شیعه را متناسب با شرایط انقلاب اسلامی، بازتولید کرده و رویکردی پویا، روزآمد (مطابق با شرایط)، کارآمد، حکومتی به فقه بدهد:

«ما به بازنگری در تمام در تمام ابواب و کتب فقهیه احتیاج داریم فقه غنی و سرشار و ارزشمند ما یک عیب دارد، آن عیب عبارت است از اینکه این فقه برای این صورت نوشته شده که یک حکومت ظلمی بر سر کار باشد که بر خلاف ما انزل الله حکم می‌کند و این فکر دستورالعمل آن عده شیعه مستضعف مظلوم است. در تنقیح و تحقیق فقه کنونی ما روزگاری که این فقه بخواهد نظام جامعه را اداره بکند پیش‌بینی نشده... شما باید یکبار دیگر از طهارت تا دیات نگاه کنید و فقهی استنباط کنید برای حکومت کردن» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۴/۶/۱۱).

بر اساس منطق، نوع استنباط فقیه در حوزه فقه فردی و رفع نیازهای فردی مسلمانان نیز باید در چارچوب نظام معرفتی کلان که همانا اداره یک مجموعه انسانی بزرگ در قالب یک کشور قرار داشته باشد و فقیه باید با عنایت به اینکه این حکم فردی می‌تواند در بخشی از اداره کشور مؤثر باشد، به استنباط بپردازد. بدیهی است این نگاه به فقه و استنباط می‌تواند به تحولی شگرف در فقه انجامیده و ضمن اینکه در این فرایند، احکام، روزآمد و کارآمد می‌شوند، مشکلات بسیار زیادی نیز از جامعه پاسخ گرفته می‌شود:

«فقه ما از طهارت تا دیات، باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد. شما حتی در باب طهارت هم که راجع به ماء مطلق یا فرضاً ماء الحمام فکر می‌کنید، باید توجه داشته باشید که این در یک جا از اداره زندگی این جامعه تاثیری خواهد داشت، تا برسد به ابواب معاملات و

شاخص‌های علوم حوزوی
در تراز حوزه انقلابی
(با تأکید بر ...
۷ تا ۳۵)

ابواب احکام عامه و احوال شخصی و بقیه ابوابی که وجود دارد. بایستی همه این‌ها را به عنوان جزئی از مجموعه اداره یک کشور استنباط بکنیم. این در استنباط اثر خواهد گذاشت و گاهی تغییرات ژرفی را به وجود خواهد آورد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

با توجه به رویکرد بازخوانی فقه شیعه و بازتولید آن به دلیل اداره مطلوب نظام سیاسی، باید برخلاف رویکرد فقه فردی در گذشته که مباحث عبادات و اقتصاد خرد و احوالات شخصی مکلفان را مد نظر قرار می‌داد، با نگرش کلان به فقه مواجه شود و نیازهای نوپدید نظام سیاسی را در نظر گیرد و اموری مانند سیاست خارجی و روابط بین‌الملل نظام اسلامی و تجارت در بعد کلان را مورد عنایت و بررسی قرار دهد:

«اگر دیروز همت ما فقط کتاب صلاه و طهارت و زکات و صوم حج و حداکثر مستأجر و اجاره بود، امروز مسئله ما و احتیاج ما همه شئون زندگی یک جامعه است. یک فقهی ما لازم داریم که بتوانیم حکومت را، سیاست خارجی را، روابط بین‌الملل را برخورد با شبکه عظیم اقتصادی جهانی را تجارت در دنیا را فقه‌الشرعیه او را مشخص بکنیم» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۵/۴/۲۹).

ایجاد دامنه سیاسی، اجتماعی، حکومتی برای علوم

دانش‌های اسلامی که در سالیان طولانی عصر غیبت در زمان حاکمیت حاکمان جائر نگاشته شده‌اند، به دلیل اقتضای تقیه و واهمه از برانگیختن روحیه ضد شیعی طاغوت‌ها و بیم آزار و اذیت عالمان و شیعیان، معمولاً رویکرد سیاسی، اجتماعی و حکومتی نداشته، بلکه رویکردی فردی و در محدوده زندگی مؤمنانه شیعیان داشتند؛ ولی با پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق نظام مبتنی بر آموزه‌های دین، این انتظار از علوم اسلامی مستند به حوزه می‌رود که علاوه بر رویکرد فردی سابق، امتدادی سیاسی، اجتماعی بلکه حکومتی نیز برای این دانش‌ها، ایجاد شود. برای نمونه، علمی مثل فلسفه اسلامی که در حوزه علمیه تدریس می‌شد، معمولاً به مباحث انتزاعی محدود می‌شود و دامنه سیاسی و اجتماعی نیافته است. در حالی که حکمت و کلام به مثابه تأمین‌کننده شالوده اساسی نظام فکری و نظام عملی و امروز



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

نظام سیاسی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۰۶/۲۱)، و باید کارویژه مناسب خویش در این زمینه را ارائه کند. از این رو، شایسته است مانند فلسفه‌های غربی که برای همه مسائل زندگی مردم مثل سیستم اجتماعی، سیستم سیاسی، وضع حکومت و کیفیت تعامل مردم با همدیگر، تکلیف معین می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹)، غرق در زمینه ذهنیات مجرد باقی نمانده و امتداد سیاسی، اجتماعی پیدا کند و استلزامات در عرصه اداره جامعه ارائه کند:

«فلسفه طبعاً با ذهن و عقل سروکار دارد نقص فلسفه ما این است که این ذهنیت امتداد سیاسی و اجتماعی ندارد... اما فلسفه ما به‌طور کلی در زمینه ذهنیات مجرد باقی می‌ماند و امتداد پیدا نمی‌کند. شما بیاید این امتداد را تأمین کنید؛ کما اینکه خود توحید یک مبنای فلسفی و یک اندیشه است؛ اما شما ببینید این توحید یک امتداد اجتماعی و سیاسی دارد. «لااله الاالله» فقط در تصورات و فروض فلسفی و عقلی منحصر و زندانی نمی‌ماند؛ وارد جامعه می‌شود و تکلیف حاکم را معین می‌کند، تکلیف محکوم را معین می‌کند، تکلیف مردم را معین می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹).

از این رو، حوزه علمیه در تراز انقلاب اسلامی باید به‌جای تأکید بر مطالعه فلسفه اسلامی موجود، خوانشی مجدد نسبت به آن داشته باشند و با تعمیق و گسترش فلسفه‌های موجود اسلامی مانند فلسفه ملاصدرا به عرصه اداره جامعه، ظرفیت‌های فراوانی برای آن در عرصه‌هایی چون سیاست، اخلاق، اقتصاد، فرهنگ و ... ایجاد کرده و مکاتب فلسفی چون فلسفه سیاسی، فلسفه اقتصاد، فلسفه اخلاق و ... را در راستای تبیین عقلانی مبانی انقلاب اسلامی، بنیان‌گذاری کنند:

«می‌توان در مبانی موجود فلسفی ما نقاط مهمی را پیدا کرد که اگر گسترش داده شود و تعمیق گردد، جریان‌های بسیار فیاضی را در خارج از محیط ذهنیت به‌وجود می‌آورد و تکلیف جامعه و حکومت و اقتصاد را معین می‌کند... از مبانی ملاصدرا، اگر نگوییم از همه اینها، از بسیاری از این‌ها می‌شود، یک دستگاه فلسفی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی درست کرد؛ فضلاً از آن فلسفه‌های مضاف که آقایان فرمودند: فلسفه اخلاق، فلسفه اقتصاد و... این یکی از کارهای اساسی است که شما باید انجام دهید» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹).

شاخص‌های علوم خوزوی
در تراز حوزه انقلابی
(با تأکید بر ...
۷ تا ۳۵)

با توجه به این نکته که فلسفه اسلامی باید ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی برای خویش ایجاد کند و به مثابه پشتوانه فکری نظام اسلامی به شمار رود، مقتضی است فلسفه اسلامی از سوی طلاب حوزه علمیه پی‌گیری شود و از واگذاری مباحث فلسفی به غیرعالمان دینی و نااهلان عرصه فلسفه اسلامی پرهیز شود. زیرا این امر می‌تواند به استنتاجاتی نامناسب و به انحرافات در مبانی دینی منجر شود که طبیعتاً چون به ابتدای نظام اسلامی به مبانی نامناسب مستند می‌شود، می‌تواند در باورهای کلان جامعه و رویکرد نظام اسلامی خدشه ایجاد کند:

«یکی از بزرگترین خسارت‌هایی که ما کردیم، این بوده که مرکز فلسفه اسلامی از حوزه علمیه به مناطق مختلف منتقل شده است... برخی از آقایانی که اصلاً اهلیت ندارند، در مساجد فلسفه تدریس می‌کنند و ناقص و سطحی و به عمق نرسیده و جویده‌جویده مطالبی را دست افراد می‌دهند... باید کاری کنیم که قم از مرکزیت و مرجعیت فلسفه نیافتد و قطب اصلی فلسفه اسلامی همچنان باقی بماند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹).

پاسخگویی به نیازهای همه‌جانبه نظام اسلامی

نظام‌های سیاسی، همواره با پرسش‌ها و معضلات فراوانی مواجه است و حاکمان، کارگزاران، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران جامعه باید برای برون‌رفت از مشکلات و تسهیل زندگی مردم، راهکارهایی را مطرح کرده؛ بلکه باید راهکارهایی را برای توسعه و رفاه زندگی مردم فراهم کنند و شانه تھی کردن از این مسائل و عدم پاسخگویی به این نیازها می‌تواند نشانه ناتوانایی نظام سیاسی برای اداره مطلوب مردم، به شمار آید و مشروعیت حاکمان را نیز در تصدی امور جامعه زیر سؤال ببرد. همچنین، با عنایت به اینکه نظام اسلامی به عنوان نظامی که مبانی، احکام و قوانین آن به دین اسلام مستند است، اگر نتواند پرسش‌های روزآمد را پاسخ گوید و راهکاری برای معضلات جامعه ارائه کند، این امر نشانه نقصان دین و برنامه‌های آن در اداره مطلوب جامعه محسوب می‌شود، بنابراین، بر عالمان دینی است که متصدی امر تصمیم‌سازی و پاسخ‌گویی و ارائه راهکارهای عملی در اداره مطلوب و شرعی حکومت باشد:



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

«آن کسی که می‌خواهد نظام را اداره کند؛ آن فقهی که می‌خواهد یک ملت یا مجموعه عظیمی از انسان‌ها و ملت‌ها را اداره کند، بایستی بتواند شرایط زمان را بشناسد، و پاسخ هر نیازی را در هنگام آن نیاز، به آن بدهد و نمی‌تواند در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و همه مسائل زندگی مردم، نقطه‌ای را بی‌پاسخ بگذارد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۳/۱۴).

بدیهی است نظام اسلامی با پرسش‌ها و مسائل در عرصه داخلی و خارجی مواجه بوده و با عنایت به اینکه نظام اسلامی، نظامی نوپا بوده و در بسیاری از امور، هنوز فاقد نظام معرفتی و راهکار عملی است، بر طلاب و فضلاء انقلابی است که پای در عرصه مباحث نو در محدوده نیازهای روزآمد نظام اسلامی نهاده و دیدگاه دین اسلام در این زمینه را ارائه کنند. بلکه با عنایت به اینکه مکاتب موجود مادی در سطح جهان، دارای نظام معرفتی مشخصی باشد و در زمینه موضوعات مشخص نیز راهکارهای تدوین شده دارند، بنابراین، بر عالمان انقلابی حوزه است که در راستای هم‌آوردی نظام اسلامی با نظام‌های دیگر و اثبات کارآمدی نظام اسلامی، قدم بردارد و با طرح موضوعات نظام اسلامی، پاسخی مناسب و مبتنی بر آموزه‌های دینی ارائه کنند. تا از این طریق هم کارآمدی دین در پاسخگویی به مسائل و شبهات نوپدید به اثبات برسد و هم نظام اسلامی بتواند به‌طور مطلوب، اداره جامعه و مردم را عهده دار شود:

«در زمینه‌های گوناگون، امروز نیاز وجود دارد؛ هم برای نظام اسلامی، هم در سطح کشور، هم در سطح جهان. تبیین معرفت‌شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی که پایه‌های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهد، نظام تعلیم و تربیت، مفاهیم اخلاقی و معنوی، غیره و غیره، همه این‌ها باید دقیق، علمی، قانع‌کننده و ناظر به اندیشه‌های رائج جهان آماده و فراهم شود؛ این کار حوزه‌هاست. با اجتهاد، این کار عملی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹).

آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان فقیه و رهبر نظام اسلامی، در جمع نخبگان حوزوی، برخی از مشکلات و مسائلی را که در فقه تبیین نشده است و انتظار پاسخگویی نسبت به این مسائل، از حوزه علمیه می‌رود، در عرصه‌های مختلف اقتصادی،

شاخص‌های علوم حوزوی
در تراز حوزه انقلابی
(با تأکید بر ...
۷ تا ۳۵)

پزشکی، حقوقی، قضائی، اجتماعی، سیاسی و ... مطرح کرده و تعیین تکلیف فقهی و دینی در این زمینه را به عالمان حوزوی و فقیهان واگذار کرده است:

«بالاخره تکلیف این مسئله (ارزش پول و تورم)، در فقه باید روشن شود. باید برای این کارها، مبنا درست کرد. البته انسان می‌تواند کار خودش را به اطلاعات و عموماً، آسان کند؛ اما مسائل این گونه حل نمی‌شود. بسیاری از مباحث حکومتی، مبحث دیات، مبحث حدود و دیگر مسائل قضا برای دستگاه با عظمت قضاوت ما، حل فقهی نشده و تکلیفش معلوم نگردیده است... امروز، جهاد مورد ابتلای ماست. خود همین مسئله جهاد، در فقه ما روشن نیست. بسیاری از مسائل امر به معروف و نهی از منکر، مسائل حکومتی و بسیاری از مباحث مربوط به زندگی مردم همین مسئله پیوندها و تشریح‌ها مباحثی هستند که فقه باید وارد این میدان‌ها شود. نمی‌شود با نظر سریعی به آن‌ها نگاه کرد و خیال کنیم که حل خواهند شد. نه؛ این‌ها هم مثل بقیه ابواب فقهی هستند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳/۹/۱۳۷۴).

رویکرد فقه حکومتی در درس‌های حوزوی

برخلاف برخی دانش‌های حوزوی که در برخی ادوار عصر غیبت، فروغ و پویایی در عرصه جامعه دارند، و در زمان‌هایی دیگر، یا جامعه از این علوم تهی است یا شاهد شعله‌هایی کم‌فروغ از آن است، علم فقه، همواره و در طول سالیان عصر غیبت، همواره و بدون گسست در فضای جامعه وجود داشته و پاسخ‌گوی نیازهای مؤمنان بوده است. به دلیل اینکه فقیهان، در عمده این ادوار، متصدی امور کلان جامعه نبودند و تدبیر امور کشوری را برعهده نداشتند، بلکه به خاطر اقتضای تقیه از حاکمان جائر، همواره به پاسخ‌گویی به نیازهای فردی و مؤمنانه شیعیان مشغول بوده‌اند، بنابراین، فقه شیعه به‌طور عمده، رویکرد فردمحور داشته و از این رو، فقیهان، در استنباط‌های خویش، نیازهای جامعه و پاسخ‌های خویش را در راستای اداره حکومت و جامعه در نظر نداشتند. لکن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، و با برداشته شدن موانع ذهنی و عینی برای فقیهان، آنان باید به فقه به مثابه قالبی برای استنباط اداره کلان جامعه نیز در کنار استنباط‌های فردی عنایت بورزند:



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

«ما در طول زمان، به دین و فقه به عنوان قالب و شکل برای حکومت نگاه نکردیم... فقه ما این طوری بوده، لااقل در این چند قرن اخیر این طور بوده است. امروز فقه، شکلی برای حکومت و شکلی برای نظام اجتماعی منها الحکومه است. حکومت جزئی از یک نظام اجتماعی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

بدیهی است ورود فقه به عرصه فقه حکومتی و نگرش کلان به اداره جامعه با محوریت تعالیم دینی و فقهی، مرهون تلاش‌های علمی و عملی امام خمینی است که با ازبین بردن نظام طاغوت و نمایاندن امکان تحقق نظام دینی در جامعه، و به وسیله تلاش‌های علمی خویش، بر ضرورت پیگیری فقه حکومتی به عنوان نقشه راه حکومت اسلامی در عصر غیبت تأکید کردند:

«فقه شیعه را که به خاطر طول سال‌هایی که فقهای شیعه و خود گروه شیعه در دنیای اسلام، دسترسی به قدرت و حکومت نداشتند، و فقه شیعه یک فقه غیر حکومتی و فقه فردی بود، امام بزرگوار کشاند به سمت فقه حکومتی» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۳/۱۴).

از آنجا که استنباط فقیهان تابع موضوعات مطرح شده است و به عبارت دیگر، بر اساس دیدگاه علمای فقه و اصول، احکام تابع موضوعات بوده و جایگاه موضوع نسبت به حکم مانند جایگاه علت نسبت به معلول است، هر جا موضوع احراز شود، حکم نیز بر آن مترتب خواهد شد. مثلاً تا در خارج چیزی به نام خمر وجود نداشته باشد، حکم حرمت «لاتشرب» بر آن جعل نمی‌شود، یا در مثال «حج»، تا مکلف، دارای شرایط فرض نشود، حکم وجوب حج از سوی شارع صادر نمی‌شود. بر این اساس، در حالی که فقیهان گذشته با نبود حکومت دینی در جامعه، حکمی برای آن جعل نکرده و احکام آن را ارائه نمی‌کردند، در صورت وجود موضوعی به نام حکومت دینی در خارج، خود را موظف به ارائه احکام آن می‌دانند. بر این اساس، همچنان که فقیهان، در زمان‌های گذشته وظیفه‌ای در قبال ارائه مباحث فقه حکومتی نداشتند، در زمان حاضر و با وجود نظام اسلامی در جامعه، فقیهان موظف‌اند به این مباحث بپردازند و دیدگاه شارع را در این زمینه بیان کنند. حوزه انقلابی به مثابه حوزه‌ای که دغدغه عملی برای تحول و توسعه فقه

شاخص‌های علوم خوزوی
در تراز حوزه انقلابی
(با تأکید بر ...
۷ تا ۳۵)

شیعه داشته و در عین حال، دغدغه اساسی نسبت به پاسخ‌گویی به نیازهای انقلاب اسلامی دارد، باید به این مسئله اهتمام مضاعف ورزد:

«تشکیل نظام اسلامی که داعیه‌دار تحقق مقررات اسلامی در همه صحنه‌های زندگی است، وظیفه‌ای استثنائی و بی‌سابقه بر دوش حوزه علمیه نهاده است، و آن تحقیق و تنقیح همه مباحث فقهی‌ای است که تدوین مقررات اسلامی برای اداره هر یک از بدنه‌های نظام اسلامی بدان نیازمند است... روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت، و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است که نظم علمی حوزه، امید برآمدن آن را زنده می‌دارد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۸/۲۴).

بر این اساس، حوزه علمیه قم باید در دروس فقهی خویش، به مباحث فردی، عبادات، احوالات شخصیه و مباحث خانواده، اکتفا نکند و دروس خارج فقه استدلالی مناسبی را به موازات مباحث فردی تعبیه کند و در این دروس، با طرح مباحث مورد ابتلای نظام اسلامی پاسخی مناسب به پرسش‌ها و چالش‌های نظام اسلامی بدهد.

«در قم باید درس‌های خارج استدلالی قوی‌ای مخصوص فقه حکومتی وجود داشته باشد، تا مسائل جدید حکومتی و چالش‌هایی را که بر سر راه حکومت قرار می‌گیرد و مسائل نوبه‌نو را که پیش می‌آید، از لحاظ فقهی مشخص کنند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۱۷).

نتیجه‌گیری

حوزه‌های علمیه که همواره فرزند زمانه خویش بوده‌اند و به نیازهای روزآمد جامعه خویش پاسخ گفته‌اند، در فضای انقلاب اسلامی و تحقق نظامی با محوریت تعالیم اسلام، رویکردی انقلابی به فعالیت‌های خویش داده‌اند و فارغ از رویکردهای عملی روحانیان در حمایت از انقلاب اسلامی، در بعد علمی، اموری را مد نظر قرار داده‌اند که از آن میان، می‌توان به مواردی مانند تبیین مبانی نظام اسلامی، تعیین نقشه راه هدایت نظام اسلامی به سوی آرمان‌های اصیل، ترسیم



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

ارکان و ساختار مناسب حکومت دینی در عصر غیبت، ارائه راهکارهایی جهت کارآمدسازی بیشتر حکومت دینی، حمایت از آن در جلب مشارکت حداکثری مردم، و صیانت از نظام سیاسی در برابر شبهات و آسیب‌های نظری اشاره کرد. و از آنجا که انجام‌دادن این امور جز به واسطه تحول و توسعه علوم حوزوی امکان ندارد، تحول علوم مرسوم خویش، به دلیل وصول به حوزه تراز انقلاب اسلامی را مد نظر قرار داده‌اند. بدیهی است این تحول باید در چارچوب ضوابط و ملاک‌هایی صورت بپذیرد تا بتواند به‌طور مطلوب، وصول به حوزه تراز انقلاب اسلامی را تضمین کند. اموری مانند «پویایی در عین حرکت در التزام به روش‌های مصطلح این علوم»، «عنایت به استناد مبانی، ساختار، رفتار و قوانین نظام اسلامی به آموزه‌های دین با وجود تأکید بر کارایی و کارآمدی نظام اسلامی در اداره مطلوب جامعه به سوی اهداف اسلام»، «پرهیز از روزمره‌گی و تلاش برای روزآمدی در قالب رصد شبهات، مشکلات و موضوعات روز و پاسخ مناسب و ارائه راهکارهای روزآمد برای اداره نظام اسلامی» و «توجه به نظام وارگی علوم اسلامی و عنایت به اینکه هر یک از این علوم می‌توانند در اداره بخشی از نظام سیاسی، تأثیرگذار باشند» به مثابه ضوابط کلان وصول به علوم حوزوی تراز انقلاب اسلامی به شمار می‌روند. این ضوابط و ملاک‌ها البته در صورتی می‌توانند غرض از فوق را تأمین کنند که به توصیه راهکارهایی به‌منظور وصول به غایت علوم حوزوی تراز انقلاب اسلامی بیانجامند. برخی راهکارهایی که بر اساس آن، علوم حوزوی توسعه‌ای به تراز انقلاب اسلامی می‌انجامد، عبارت‌اند از: «بازخوانی علوم حوزوی و بازتولید این علوم به دلیل اداره مطلوب نظام اسلامی»، «عدم ایستایی در پرداختن به امور انتزاعی علمی و تحقق پویایی این علوم در ایجاد دامنه سیاسی، اجتماعی و حکومتی برای این علوم به دلیل استفاده مطلوب در نظام اسلامی»، «پاسخ به نیازها و پرسش‌های روزآمد نظام اسلامی در قالب جعل قوانین و ارائه راهکارهای مناسب برای اداره مطلوب جامعه»، و «عدم توقف در فقه متناسب با اداره زندگی مؤمنانه و گسترش دروس فقهی متناسب با اداره حکومت مطلوب و کارآمد اسلامی».

شاخص‌های علوم حوزوی
در تراز حوزه انقلابی
(با تأکید بر ...
۷ تا ۳۵)

منابع

- قرآن کریم
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۶). *مبانی سیاست*. تهران: نشر توس.
- آقابخشی، علی (۱۳۷۹). *فرهنگ علوم سیاسی*. تهران: چاپار.
- ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۲). *نقد نگرش‌های حداقلی*. قم: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۲/۰۶/۲۱.
- بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج، ۱۳۸۰/۶/۱۹.
- بیانات مقام معظم رهبری در آغاز درس خارج، ۱۳۷۰/۶/۳۱.
- بیانات مقام معظم رهبری در بیست و دومین سالگرد امام خمینی، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴.
- بیانات مقام معظم رهبری در پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱/۸/۲۴.
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع روحانیون نیشابور، ۱۳۶۵/۴/۲۹.
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع طلاب در روز نیمه شعبان، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع طلاب شهرستان مشهد، ۱۳۶۶/۱/۵.
- بیانات مقام معظم رهبری در جمع فضلاء و نخبگان حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴/۹/۱۳.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۶/۱۷.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۷۹/۱۱/۲۷.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با برادران و خواهران طلبه حوزه علمیه اراک، ۱۳۶۴/۹/۷.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون حوزه علمیه مشهد، ۱۳۶۴/۶/۱۱.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۴/۹/۱۶.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان حوزوی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹.
- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۷۶/۳/۱۴.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۶۵). *دایره‌المعارف تشیع*. تهران: بنیاد فرهنگی طاهر.
- فتحعلی، محمود (۱۳۸۲). *مباحثی در باب کارآمدی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۴۱۸). *ده گفتار*. قم: انتشارات صدرا.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

شاخص‌های علوم حوزوی
در تراز حوزه انقلابی
(با تأکید بر ...
۷ تا ۳۵)